

تفسیر سوره مبارکه روم

حجّه الاسلام والمسلمین حاج محسن قرائتی

منبع : تبیان

آماده سازی و چاپ :

روابط عمومی سازمان رفاهی تفریحی شهرداری کاشان

تفسیر سوره مبارکه روم

سیمای سوره‌ی روم

این سوره شصت آیه دارد و در مکه نازل شده است. همانند بسیاری از سوره‌های مکی، موضوع اصلی این سوره، مبدأ و معاد و گفتگوهای اهل ایمان و کفر در این زمینه است. این سوره با پیشگویی پیروزی رومیان بر ایرانیان در جنگ آغاز می‌شود و به همین مناسبت، سوره «روم» نام گرفته است. بخش عمده آیات این سوره، به ذکر نعمت‌های الهی در آسمان و زمین و نظام زوجیت در گیاهان و حیوانات، آفرینش انسان از خاک و پیوند زن و مرد، تلاش در روز و خواب در شب، بارش باران و وزش باد و حیات زمین پس از مرگ می‌پردازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

الم «۱» غُلِبَتِ الرُّومُ «۲»

الف، لام، میم.

رومیان مغلوب (ایرانیان) شدند.

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ «۳»

(این شکست) در نزدیک‌ترین سرزمین (رخ داد) ولی آنان بعد از

مغلوب شدن، در آینده‌ی نزدیکی پیروز خواهند شد.

فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَحُ

الْمُؤْمِنُونَ «۴»

(این پیروزی) در چند سال (آینده خواهد بود)، قبل از پیروزی و

شکست و بعد از آن، کار تنها به دست خداست و در آن روز

(پیروزی)، مؤمنان خوشحال خواهند شد.

يَنْصُرِ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ «۵»

خداوند هر کس را بخواهد، به یاری خود یاری می‌کند، و او قدرتمند

و نفوذ ناپذیر مهربان است.

نکته‌ها

کلمه‌ی «بِضْعِ» به معنای قطعه است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله

علیه وآله فرمودند: «فاطمة بضعة منی»^(۱) فاطمه پاره‌ی تن من

است. گاهی مراد از «بِضْعِ»، قطعه‌ای از زمان (بین سه تا نه سال)

است.

سؤال: پیروزی سپاه روم بر ایرانیان، چه ربطی به مسلمانان دارد که

قرآن می‌فرماید:

(۱). وسائل، ج ۲۰، ص ۶۷.

«يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ» پاسخ: پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نامه‌ای به پادشاهان ایران و روم نوشت و آن دو را به دین مبین اسلام دعوت کرد. خسرو پرویز، شاه ایران نامه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را پاره کرد، ولی قیصر روم به نامه پیامبر احترام گزارد. مسلمانان دوست داشتند رومیان - که به نامه پیامبر احترام کردند - پیروز شوند، ولی آنان شکست خوردند و مسلمانان از این حادثه ناراحت شدند. خداوند با نزول این آیات به مسلمانان بشارت داد که اگر چه رومیان شکست خوردند، ولی در آینده نزدیک پیروز خواهند شد و آن پیروزی، سبب شادی مؤمنان خواهد شد. «۱»

آری، جامعه‌ی ایمانی نباید تنها به درون خود بنگرد، بلکه باید نسبت به حوادث تلخ و شیرین سایر ملل نیز عکس العمل نشان دهد.

پیام‌ها

- ۱- یکی از نشانه‌های اعجاز قرآن، پیشگویی‌های صادقانه و محقق آن است.
(رومیان، از ایرانیان شکست خوردند، ولی قرآن پیشگویی می‌کند که چند سال دیگر رومیان غالب خواهند شد و چنان شد.) «غَلِبَتْ... سَيَغْلِبُونَ»
- ۲- با یک شکست، مأیوس نشوید. «غَلِبَتْ... سَيَغْلِبُونَ»
- ۳- در پیروزی‌ها و شکست‌ها، محوریت توحید فراموش نشود. «لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ»
- ۴- هم پیروزی را از او بدانیم و هم ساز و برگ نظامی را. «بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ»

(۱). تفسیر نور الثقلین.

۵- دلیل نصرت الهی، عزت و رحمت اوست. «يَنْصُرُ... وَ هُوَ الْعَزِيزُ

الرَّحِيمُ»

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ «۶»
(این پیروزی) وعده‌ی الهی است. خداوند وعده‌اش را تخلف نمی‌کند
ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

پیام‌ها

- ۱- از تحقق وعده‌های الهی برای دعوت مردم به ایمان، استفاده کنید.
«وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»
- ۲- سرچشمه‌ی تخلف از وعده‌ها، یا عجز است یا جهل و یا پشیمانی،
که خداوند از آنها منزّه است. «لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»
- ۳- خلف وعده زشت است، ولی خلف وعید، نوعی رحمت است. «لَا
يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»
- ۴- اکثر مردم در وفا کردن خداوند به وعده‌هایش تردید دارند. «لَا
يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»
- ۵- اکثریت ملاک نیست دانش، ایمان و تعهد مهم است. «أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ»
يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ «۷»
(مردم) فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌شناسند، و آنان از آخرت
غافلند.

پیام‌ها

- ۱- کوتاه‌بینی، سطحی‌نگری و توجه نکردن به ما و رای مادیات، نوعی
جهل است. «لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا...»
- ۲- انسان باید ژرف‌نگر و عمیق باشد، نه ظاهرین و غافل. «يَعْلَمُونَ
ظَاهِرًا... وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

۳- دنیا بد نیست، غفلت از آخرت بد است. «عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

۴- علم به ظواهر دنیای مادی بدون توجه به آخرت، مورد انتقاد است. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا... عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

۵- دنیا ظاهر و باطنی دارد و آخرت، باطن دنیاست. «ظَاهِرًا... عَنِ الْآخِرَةِ»

۶- توجه به ظواهر دنیا، سبب غفلت از آخرت است. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا... هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴿٨﴾

آیا آنان در وجود خودشان فکر نکردند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز بر اساس حق و زمان بندی معین نیافریده است، و بی شک بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان (در قیامت) کفر می ورزند.

پیامها

۱- تفکر، داروی بیماری غفلت است. «هُمُ غَافِلُونَ أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا»

۲- تفکر، زمانی مفید و سازنده است که دور از هیاهو و تأثیرات منفی و بر اساس عقل و فطرت باشد. «فِي أَنْفُسِهِمْ»

۳- آفرینش، هم هدفدار است و هم زمان بندی دارد. «خَلَقَ... بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى»

۴- دنیا، مدت زمانی بیش نیست. «أَجَلٍ مُّسَمًّى»

۵- نتیجهی فکر سالم، ایمان به حقایق و هدفداری هستی و آخرت است و نتیجهی بی فکری، کفر و انکار معاد است. «يَتَفَكَّرُوا... لَكَافِرُونَ»

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ
جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ «٩»

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند
چگونه بود؟

آنها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از
آنچه اینان آباد کردند، آن را آباد ساختند، و پیامبران‌شان همراه با
معجزه و) دلایل روشن به سراغشان آمدند، (اما آنها انکار کردند و به
قهر خدا گرفتار شدند) پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه آنها بر
خود ستم کردند.

نکته‌ها

امام صادق علیه السلام درباره‌ی معنای «أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ»
فرمودند: مراد تدبّر و سیر در تاریخ اقوام گذشته در قرآن است. «١»
درباره‌ی لزوم آشنایی با تاریخ و تدبّر در آن، حضرت علی علیه السلام
خطاب به فرزندش می‌فرماید: گرچه عمر زیادی ندارم، ولی با تاریخ
گذشتگان چنان آشنا هستم که گویی عمر تاریخ را دارم. «٢»

پیام‌ها

- ۱- مطالعه‌ی تاریخ، سیر و سفر و استفاده از تجربه‌ی دیگران، از
راه‌های شناخت، و ترک آن مورد توییح است. «أَوْ لَمْ يَسِيرُوا»
- ۲- آگاهی از تاریخ و فلسفه‌ی آن و آشنایی با سرنوشت اقوام پیشین،
انسان را از ظاهربینی نجات می‌دهد. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا... أَوْ لَمْ يَسِيرُوا»

(١). تفسیر نور الثقلین.

(٢). نهج البلاغه، نامه‌ی ٣١.

- ۳- تحولات تاریخی بر اساس قوانین ثابت است که می‌توان از گذشته، برای امروز و فردا درس گرفت. «فَيَنْظُرُوا»
- ۴- سیر و سفر باید عامل توجه و به دور از غفلت باشد. «فَيَنْظُرُوا»
- ۵- به سرنوشت و عاقبت اقوام گذشته بنگرید، نه به جلوه‌های روزمره‌ی آنان. «كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ...»
- ۶- قبل از اسلام، تمدن و قدرت‌های بزرگی پدیدار شده و نابود شده‌اند. «مِنْ قَبْلِهِمْ»
- ۷- اگر خدا غضب کند، هیچ قومی با هیچ قدرتی تاب مقاومت ندارد. «كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً»
- ۸- توجه به هلاکت و نابودی قدرت‌های بزرگ، عامل بازدارنده‌ی غرور است. «كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً»
- ۹- سعادت و خوشبختی تنها در قدرت و آبادانی نیست، بلکه در ایمان و پیروی از انبیاست. «أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً... وَ عَمْرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمْرُوهَا... كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»
- ۱۰- فریفتگی به قدرت و ثروت، از موانع ایمان به انبیا است. «عَمْرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمْرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ...»
- ۱۱- در تبلیغ و تربیت، از شیوه‌ها و استدلال‌های روشن استفاده کنیم. «جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ...»
- ۱۲- خداوند، عادل و مهربان است عامل اصلی هلاکت اقوام پیشین، خود آنان هستند. «فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»
- ۱۳- سرپیچی از دستورات انبیا، ظلم به نفس و در پی دارنده‌ی عذاب است. «أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»
- ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ «۱۰»

سپس عاقبت کسانی که کارهای بد مرتکب شدند، این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آن را به مسخره می گرفتند.

پیامها

۱- تکذیب کنندگان و مسخره کنندگان، هیچ بهره‌ای از کارشان جز عذاب سوء ندارند. «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاي... كَذَّبُوا... يَسْتَهْزِؤْنَ»

۲- سقوط انسان، مرحله‌ی دارد: ابتدا گناه، «أَصَاؤُا السُّوَاي» سپس تکذیب، «كَذَّبُوا» و آن گاه استهزا. «يَسْتَهْزِؤْنَ»
اللَّهُ يَبْدُوُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ «۱۱»
خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را تجدید می کند، آن گاه به سوی او باز گردانده می شوید.

و يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ «۱۲»
و روزی که قیامت بر پا می شود، تبهکاران نومید و غمگین می شوند.
و لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفْعَاءُ وَ كَانُوا بِشُرُكَائِهِمْ كَافِرِينَ «۱۳»
و برای آنان از شریکانی (که برای خدا قرار داده‌اند) شفیعیانی نخواهد بود، و آنان (در آن روز) به شریکان خود کافر می شوند.

نکته‌ها

کلمه‌ی «یُبْلِسُ» از «ابلاس»، به معنای غم و اندوهی است که ناشی از شدت یأس باشد. واژه‌ی «ابلیس» نیز از همین ریشه است.

پیامها

۱- در بحث و استدلال، از امور محسوس، برای مسائل معقول شاهد بیاوریم.

«يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» آفرینش نخستین، دلیل قدرت بر آفرینش دیگری است.

۲- بازگشت به سوی خدا و حضور در قیامت، اجباری است. «إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»

۳- به سرمستی امروز تبهکاران ننگرید که روز غم انگیزی در پیش دارند. «يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ»

۴- به شفاعت‌های خیالی، دل نبندیم. «لَمْ يَكُنْ... شُفَعَاءً»

۵- در قیامت، عشق‌های کاذب به کدورت، کفر و تنفر تبدیل می‌شود. «كَانُوا بِشُرْكَائِهِمْ كَافِرِينَ»

و يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِرُونَ «۱۴»

و روزی که قیامت بر پا می‌شود، در آن روز (مردم) از هم جدا می‌شوند.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ «۱۵»
پس کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام دادند، پس آنان در باغی (از بهشت) شادمان خواهند بود.

نکته‌ها

«رَوْضَةٍ»، به باغی گفته می‌شود که آب و درخت فراوان دارد.
کلمه «يُحْبَرُونَ» از «حبر»، به معنای حالت سروری است که آثار آن در چهره نمایان شود.

پیام‌ها

۱- در قیامت، پاکان از ناپاکان جدا می‌شوند. «يَتَفَرَّقُونَ» (قیامت از یک سو «يَوْمَ الْجَمْعِ» «۱»، روز گردهمایی و از سوی دیگر «يَوْمُ الْفَصْلِ» «۲»، روز جدایی است.

۲- قیامت روز پایان پیوندها و دوستی‌های غیر الهی است.

«يَتَفَرَّقُونَ»

۳- ایمان همراه با عمل و کارهای خوب ارزشمند است. «آمَنُوا وَ

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»

۴- ایمان و انگیزه، مهم‌تر از عمل است. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»

۵- شرط رستگاری و ورود به بهشت، ایمان و عمل صالح است. «فَأَمَّا

الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ»

وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ

مُخَضَّرُونَ» ۱۶»

و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب

کردند، پس احضارشدگان در عذابند.

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ» ۱۷»

پس خدا را تنزیه کنید به هنگامی که وارد شب می‌شوید و هنگامی

که به صبح درمی‌آیید.

وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» ۱۸»

و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین و هنگام شب و هنگامی که ظهر

می‌کنید، مخصوص اوست.

نکته‌ها

بعضی معتقدند این آیات به اوقات نمازهای پنجگانه در صبح و ظهر و

شام اشاره دارد.

ممکن است جمله‌ی «فَسُبْحَانَ اللَّهِ» و جمله‌ی «لَهُ الْحَمْدُ»، فرمان به

تسبیح و حمد باشد که در قالب خبر آمده است.

پیام‌ها

- ۱- با بیان سرنوشت خوبان و بدان، دیگران را به خوبی‌ها تشویق و از بدی‌ها پرهیز دهیم. «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا... وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا»...
- ۲- تکذیب آیات و قیامت، از کفر و عناد انسان سرچشمه می‌گیرد. «الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ»
- ۳- سرنوشت انسان، در گرو عملکرد خود اوست. «كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا... فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ»
- ۴- در اوقات پنجگانه‌ی نماز، ذات مقدس الهی نیز سبحان الله گفته است. فَسُبْحَانَ اللَّهِ...»
- ۵- بعضی زمان‌ها، برای ذکر خداوند مناسب‌تر است. «حِينَ تُمَسُّونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ»
- ۶- تنزیه خداوند و پاک دانستن او از عیب‌ها، بر ستایش او تقدّم دارد. «سُبْحَانَ اللَّهِ - له الحمد»
- ۷- تسبیح و حمد، در همه‌ی مکان‌ها (آسمان‌ها و زمین) و همه‌ی زمان‌ها یک ارزش است. «تُمْسُونَ... تُصْبِحُونَ... السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ «۱۹»
- زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را (نیز) از زنده بیرون می‌کشد، و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، و شما نیز (روز قیامت) این گونه بیرون آورده می‌شوید.

نکته‌ها

برای خارج شدن مرده از زنده و زنده از مرده، مصادیق و نمونه‌های زیادی در تفاسیر بیان شده است، از جمله: ایجاد انسان از نطفه و ایجاد

نطفه از انسان. فرزند مؤمن از والدین کافر و بالعکس، که همه‌ی اینها نشانه‌ی قدرت مطلقه‌ی خداوند در جهان و توانایی او در برپایی قیامت و حشر موجودات است.

پیام‌ها

۱- در معاد شک نکنید، زیرا کار خداوند میراندن و برانگیختن است. (با ارائه‌ی نمونه‌ها، ابهامات و تردیدها را از بین ببرید.) «يُحْيِي الْأَرْضَ... كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ»
وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ «۲۰»
و از نشانه‌های الهی آن است که شما را از خاکی (پست) آفرید، پس (به صورت) بشری به هر سوی پراکنده شدید.

نکته‌ها

در قرآن، یازده مورد تعبیر «وَمِنْ آيَاتِهِ» به کار رفته که هفت موردش در این سوره است.
در آیه‌ی قبل، خروج مرده از زنده و بالعکس به طور کلی و سر بسته مطرح شد و این آیه نمونه‌ی آن مطلب کلی است.

پیام‌ها

۱- بهترین راه خداشناسی، تفکر در آفرینش است. «وَمِنْ آيَاتِهِ»...
۲- نشانه‌های الهی قابل شمارش نیست، آنچه گفته می‌شود اندکی از بسیار است. «مِنْ آيَاتِهِ»
۳- در میان آفریده‌ها، انسان بارزترین آنهاست. (آیاتی که درباره‌ی نشانه‌های قدرت الهی است، از انسان شروع می‌شود.) «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ»

۴- خودشناسی، مقدمه‌ی خداشناسی است. «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ»

۵- منشأ وجودی همه‌ی انسان‌ها خاک است. (تفاخرهای بی‌ارزش را کنار بگذاریم.) «مِنْ تُرَابٍ»

۶- در خاک، حسّ و حرکت نیست، ولی در انسان هست و این، نشانه‌ی قدرت و عظمت پروردگار است. «خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ... تَنْتَشِرُونَ»

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ «۲۱»

و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار داد بی‌شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است.

نکته‌ها

یاد خداوند مایه‌ی آرامش دل و روح است، «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» «۱»

و همسر مایه‌ی آرامش جسم و روان. «أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» «۲»

پیام‌ها

۱- آفرینش، هدفدار است. «خَلَقَ لَكُمْ»

۲- زن و مرد از یک جنس هستند. (بر خلاف پاره‌ای عقاید خرافی و تحقیرآمیز که زن را موجودی پست‌تر یا از جنس دیگر می‌پندارند.)

(۱). رعد، ۲۸.

(۲). روم، ۲۱.

«مِنْ أَنْفُسِكُمْ»

۳- همسر باید عامل آرامش باشد نه مایه‌ی تشنج و اضطراب.

«لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

۴- هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه‌ی جنسی نیست، بلکه رسیدن

به یک آرامش جسمی و روانی است. «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

۵- نقش همسر، آرام بخشی است. «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

۶- محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی‌آید.

«جَعَلَ» (مودت و رحمت، هدیه‌ی خدا به عروس و داماد است.)

۷- هر کس با هر عملی که آرامش و مودت و رحمت خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج و در خطّ شیطان است. «جَعَلَ بَيْنَكُمْ»...

۸- رابطه‌ی زن و مرد، باید بر اساس مودت و رحمت باشد. «مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (مودت و رحمت، عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است.)

۹- مودت و رحمت، هر دو با هم کارساز است. (مودت بدون رحمت و خدمت، به سردی کشیده می‌شود و رحمت بدون مودت نیز دوام ندارد.) «مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»

۱۰- تنها اهل فکر می‌توانند به نقش سازنده‌ی ازدواج پی ببرند. «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ «۲۲»

و از نشانه‌های الهی، آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست همانا در این امر برای دانشمندان نشانه‌هایی قطعی است.

پیام‌ها

- ۱- آفرینش آسمان‌ها و زمین، از نشانه‌های قدرت بی‌پایان الهی است.
«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»
- ۲- تفاوت نژادها و زبان‌ها، راهی برای خداشناسی است. «وَمِنْ آيَاتِهِ... اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ الَّتِي أَرْضَعْنَ بَنِيكُمْ»
- ۳- هر زبانی برای خود ارزش و اصالت دارد و تغییر آن نه کمال است و نه لازم.
(هیچ کس حق ندارد نژادها و زبان‌های دیگر را تحقیر نماید.) «وَمِنْ آيَاتِهِ... اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ الَّتِي أَرْضَعْنَ بَنِيكُمْ»
- ۴- یکسان بودن شکل و رنگ همه‌ی انسان‌ها با ابتکار و نوآوری و بدیع بودن خداوند سازگار نیست. «وَمِنْ آيَاتِهِ... اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ»...
- ۵- انسان عالم و فهمیده، از اختلاف رنگ‌ها و زبان‌ها به معرفت الهی می‌رسد ولی جاهل، رنگ و زبان را وسیله‌ی تحقیر و تفاخر قرار می‌دهد. «لِلْعَالَمِينَ»
وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ «۲۳»
و از نشانه‌های الهی، خوابیدن شما در شب و روز، و تلاش شما در کسب فضل پروردگار است همانا در این امر برای گروهی که (حقایق را) می‌شنوند نشانه‌هایی قطعی است.

پیام‌ها

- ۱- نعمت‌های الهی را ساده ننگیریم خواب نیز یک نعمت بزرگ است.
«وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ»
- ۲- خواب، مقدمه‌ی تلاش است. «مَنَامُكُمْ... وَابْتِغَاؤُكُمْ»

- ۳- کار و تلاش برای کسب معاش، امری پسندیده و نشانه‌ای الهی است. «وَمِنْ آيَاتِهِ... اِتِّعَاؤُكُمْ»
- ۴- اصل خواب برای شب است و خواب در روز، برای استراحت جزئی است. «مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»
- ۵- فضل الهی گسترده است ولی تلاش ما برای کسب آن لازم است. «اِتِّعَاؤُكُمْ»
- ۶- نعمت‌هایی که دریافت می‌کنیم، به خاطر استحقاق نیست، بلکه لطف و فضل الهی است. «مِنْ فَضْلِهِ»
- وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ «۲۴»
- و از نشانه‌های الهی آن است که برق (آسمان) را که مایه‌ی بیم و امید است به شما نشان می‌دهد، و از آسمان، آبی می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند، همانا در این امر برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌هایی قطعی است.

نکته‌ها

- در این آیه و آیات قبل، چهار تعبیر به چشم می‌خورد: «يَتَفَكَّرُونَ»... «لِلْعَالَمِينَ»... «يَسْمَعُونَ» و... «يَعْقِلُونَ».
- برای عملی شدن این چهار تعبیر، چهار مرحله‌ی طبیعی بیان شده است:
- ۱- انسان در آغاز، فکر می‌کند. «يَتَفَكَّرُونَ»
 - ۲- سپس می‌فهمد و عالم می‌شود. «لِلْعَالَمِينَ»
 - ۳- کسی که آگاه شد، حرف‌ها را با دقت گوش می‌دهد و نکته سنجی می‌کند. «يَسْمَعُونَ»
 - ۴- در اثر شنیدن عمیق، به تعقل و اندیشیدن می‌رسد. «يَعْقِلُونَ»

پیام‌ها

- ۱- بیم و امید، در کنار هم سازنده است. «خَوْفًا وَ طَمَعًا»
 - ۲- برق آسمان، بارش و سبز شدن زمین تصادفی نیست، بلکه بر اساس یک برنامه‌ی دقیق و حساب شده است. «الْبُرْقُ... يُنَزَّلُ... فَيُخَيِّبُ»
 - ۳- نظام آفرینش، بر اساس اسباب و علل پایه ریزی شده است. «فَيُخَيِّبُ بِهِ»
 - ۴- پائیز و بهار، ریزش و رویش گیاهان، از نشانه‌های قدرت خداوند در آفرینش است. «فَيُخَيِّبُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»
 - ۵- خداشناسی باید بر اساس علم و فکر و تعقل باشد. «لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ «۲۵»
- و از نشانه‌های الهی آن است که آسمان و زمین به فرمان او بر پاست پس هر گاه شما را از زمین فرا خواند، ناگهان (از قبر) بیرون می‌آیید (و در صحنه‌ی قیامت حاضر شوید).

نکته‌ها

در این آیات، هم آفرینش انسان از خاک، نشانه‌ی قدرت الهی شمرده شد، «خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ» هم مرگ و خروج انسان از قبر. «مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» خداوند در این آیه و پنج آیه‌ی قبل، پانزده مرتبه مردم را مخاطب قرار داده و نعمت‌های خود را برشمرده که این، یکی از شیوه‌های تبلیغ است.

پیام‌ها

۱- استواری نظام آفرینش، نه تصادفی است و نه به دست دیگران، به اراده الهی است. «تَقُوم... بِأَمْرِهِ»

۲- پیدایش معاد، با اراده و دعوت خداوند انجام می‌گیرد. «دَعَاكُمْ دَعْوَةً»

۳- دعوت پیامبر خدا، مرده را زنده می‌کند، «ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْنَكَ سَعِيًّا» (۱)

تا چه رسد به دعوت الهی. «دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ»

۴- ایمان به مبدأ، مقدمه‌ی ایمان به معاد است. کسی که نظام هستی را بر پا کرد، شما را نیز پس از مرگ زنده می‌کند. «تَقُومَ السَّمَاءُ... إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ»

۵- معاد، جسمانی است. «مِنَ الْأَرْضِ... تَخْرُجُونَ»

۶- پیدایش معاد، دفعی است نه تدریجی. «إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ»

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (۲۶)

و هر که در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست، همه برای او فرمانبردارند.

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

و او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را (باز می‌گرداند و) تجدید می‌کند، و این کار برای او (از آفرینش نخستین) آسان‌تر است، و قدرت

برتر در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست و او غلبه‌ناپذیر و دانا به

(۱). بقره، ۲۶۰.

حقایق امور است.

نکته‌ها

مراد از «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» یا فرشتگانی هستند که مطیع فرمان خدایند و یا موجوداتِ صاحبِ شعور دیگری که هنوز برای بشر شناخته نیست.

پیام‌ها

۱- در جهان بینی الهی، همه‌ی هستی آگاهانه و خاضعانه، تسلیم و سرسپرده‌ی خدای متعال هستند. «كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ»

۲- خداوند در همه چیز یکتاست:

در مالکیت: «لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» در عبادت: «كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ» در خالقیت: «هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» در کمالات: «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى»

۳- توجه به آفرینش ابتدایی، کلید آشنایی با معاد است. «يَبْدَأُ... ثُمَّ يُعِيدُهُ»

۴- مطابق فهم مردم سخن بگویید. (با این که برای خداوند هیچ کاری سخت تر و یا آسان تر از کار دیگر نیست ولی باز هم کلمه‌ی «أَهْوَنُ» به کار رفته است.)

۵- صفات خداوند از تصوّر و قلم و بیان انسان، برتر است. «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى»

۶- هیچ کس و هیچ چیز را با خداوند مقایسه نکنید. «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى»

۷- مقتضای حکمت و قدرت الهی، پیدایش معاد است. «ثُمَّ يُعِيدُهُ... هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ «۲۸»

خداوند برای شما، مثالی از خودتان زده است (و آن این که) آیا در آنچه ما روزی شما کردیم، از بردگانتان شریکانی را می‌پذیرید، تا آنان در رزق، مساوی (و شریک) شما باشند؟ و آیا همانطور که از یکدیگر می‌ترسید از بردگانتان می‌ترسید؟! (شما که در یک لقمه‌ی نان، حاضر نیستید با زیردستان خود شریک باشید، چگونه بت‌های بی‌روح را شریک خدا می‌دانید؟! ما آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، این گونه شرح می‌دهیم.

پیام‌ها

۱- استفاده از مثال، از روشهای تبلیغ و تربیت است. «ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا»

۲- آنچه برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران هم نپسندیم. «هَلْ لَكُمْ... مِنْ شُرَكَاءَ»

۳- و جدان خود را قاضی کنید و بیاندیشید شما که انسان‌های مشابه اما زیردست خود را شریک خود نمی‌دانید، چگونه غیر مشابه خدا را شریک او می‌دانید؟! شما که برای یک لحظه شریک را تحمل نمی‌کنید، چگونه برای خداوند شریک دائمی می‌پذیرید؟! شما که شریک در بهره‌گیری از رزق را قبول نمی‌کنید، چگونه شریک در آفرینش را برای او می‌پذیرید؟! شما که از دخالت افراد مشابه خود بی‌مناکید، چگونه سنگ و چوب را در کار خدا دخالت می‌دهید؟! شما که مالک حقیقی نیستید، حاضر به شریک شدن نیستید، چگونه سنگ و چوب را شریک آفریدگار و مالک حقیقی قرار می‌دهید؟

۴- شریک داشتن، سبب دلهره است. «شُرَكَاءَ... تَخَافُونَهُمْ»
بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ «۲۹»

آری، کسانی که ظلم کردند، بدون آگاهی، از هوس‌های خود پیروی نمودند. پس کسی را که خدا گمراهش کرد، چه کسی می‌تواند هدایت کند؟

برای آنان هیچ گونه یآوری نیست.

پیام‌ها

۱- مشرکان تعقل نمی‌کنند و به خود ظلم می‌کنند. «لِقَوْمٍ يَغفِلُونَ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا»

۲- مشرک، برای شرک خود برهان علمی ندارد و سرچشمه‌ی انحرافش

هوس‌های درونی است. «اتَّبِعَ... أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ»

۳- شرک، ظلم به خود است. «اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ»

۴- تمایلات انسان، متنوع است. «أَهْوَاءَهُمْ»

۵- خداوند کسانی را گمراه می‌کند که به جای پیروی از علم و عقل، پیرو هوس‌های خود باشند. «اتَّبِعَ... أَهْوَاءَهُمْ... أَضَلَّ اللَّهُ»

۶- مشخصات مشرک چند چیز است:

ستمگری: «ظَلَمُوا» بی‌منطقی: «بِغَيْرِ عِلْمٍ» گمراهی: «أَضَلَّ اللَّهُ» بی‌یآوری: «مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ»

۷- هیچ‌امیدی به هدایت منحرفان هواپرست نیست. «فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ»

۸- ستمگران هواپرست، روزی غریب و تنها خواهند ماند. «مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ»

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنِ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ «۳۰»

پس با گرایش به حقّ به این دین روی بیاور، (این) فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

نکته‌ها

در آیات قبل خواندیم که همه‌ی هستی در برابر خدا فروتن است، «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» و آغاز و انجام هستی و مَثَلِ اَعْلٰی و عَزَّةٔ و حَكْمَتِ از اوست، و شرک چیزی جز خیال و ظلم نیست، این آیه می‌فرماید: پس روی خود را خالصانه متوجّه دین کن.

فطرت در لغت به معنای خلقت و شکافتن پرده‌ی عدم و آفرینش یک موجود است. گویا خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که به حقّ تمایل دارد و از باطل بیزار است. درست همانند علاقه‌ی مادر به فرزند که امری تعلیمی نیست، بلکه فطری و غریزی است. در روایات، جمله‌ی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ»، به اقامه‌ی نماز و توجّه به قبله و اسلام، اخلاص و توحید معنا شده است. (۱)

پیام‌ها

۱- رهبر دینی جامعه، باید ابتدا حقّ‌گرایی کامل خود را تثبیت کند، بعد به ارشاد دیگران بپردازد. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ»

(۱). تفسیر راهنما.

۲- انسان ذاتاً دین‌گرا و طرفدار حقّ است. «لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»

۳- بر خلاف تصوّر گروهی که می‌گویند: انسان مثل ظرفی خالی است که با آداب و رسوم و افکار حقّ یا باطل پر می‌شود و نظام‌های

- سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به او رنگ می‌دهند، خداوند شناخت حق و حق‌گرایی را به ودیعت نهاده است. «فَطَرَتَ اللَّهُ...»
- ۴- معنای فطری بودن دین، بی‌نیازی از تلاش در راه اقامه‌ی آن نیست. «فَأَقِمْ... فِطْرَتَ اللَّهِ»
- ۵- انحراف، یک عارضه است زیرا گرایش به دین حق، در نهاد هر انسانی نهفته است. «فَطَرَتِ النَّاسَ عَلَيْهَا»
- ۶- دین فطری، ثابت و پایدار است. «فَطَرَتِ النَّاسَ عَلَيْهَا... ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»
- ۷- تکوین و تشریح با یکدیگر هماهنگ است. «فَطَرَتِ النَّاسَ عَلَيْهَا... ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»
- ۸- حرکت در مسیر دین، حرکت در مسیر فطرت است. «فَأَقِمْ... فِطْرَتَ اللَّهِ»
- ۹- امور فطری انسان کم و زیاد می‌شود، اما به کلی محو نمی‌شود. «لَا تَبْدِيلَ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ»
- ۱۰- گرایش‌های حق‌طلبانه‌ای که در درون انسان نهفته شده، با تغییر مکان و زمان عوض نمی‌شود. «لَا تَبْدِيلَ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ»
- ۱۱- هر گونه گرایش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نژادی و اقلیمی که در درون انسان سرچشمه‌ای نداشته باشد، پایدار نیست. «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»
- ۱۲- اسلام، تنها دین پایدار است. «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»
- مُبَيِّنَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ «۳۱»
(شما نیز بر اساس همان فطرت)، به سوی او روی آورید و از او پروا کنید و نماز را بر پا کنید و از مشرکان نباشید.
- مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ «۳۲»
از کسانی که دین خود را جدا و پراکنده کردند و به دسته‌ها و فرقه‌ها تقسیم شدند و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست شادمانند.

نکته‌ها

کلمه‌ی «مُنْبِیِّنَ» از «انابه»، به معنای رجوع مکرر و مداوم است. در آیه‌ی قبل، به شخص پیامبر فرمود: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ»، در این آیه به همه‌ی مردم دستور انابه و بازگشت به سوی خدا می‌دهد. «مُنْبِیِّنَ إِلَيْهِ»

پیام‌ها

- ۱- گرایش فطری و درونی به دین را با مناجات و انابه و تقوا و نماز شکوفا نماید. «مُنْبِیِّنَ إِلَيْهِ»...
- ۲- تقوا و نماز، همسوی فطرت است. «فَطَرَتَ اللَّهُ... وَ اتَّقَوْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۳- توبه و انابه، باید با کناره‌گیری از گناه و انجام واجبات همراه باشد. «مُنْبِیِّنَ... وَ اتَّقَوْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۴- در سایه‌ی توبه و تقوا و نماز، قدرت فاصله گرفتن از شرک و تفرقه را پیدا می‌کنید. «مُنْبِیِّنَ إِلَيْهِ... وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»
- ۵- اگر عبادت فردی، با کناره‌گیری از تفرقه‌های مذهبی همراه نباشد، کارساز نیست. «لَا تَكُونُوا... مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا»
- ۶- اقامه‌ی نماز، تجلی روح تقوا در انسان است. «وَ اتَّقَوْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۷- شرک، تنها پرستیدن خورشید و ماه و بت نیست هر کس که عامل تفرقه در دین خدا شود، مشرک است. «مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ»
- ۸- مشرکین در صدد تفرقه‌ی دینی مردم هستند. «الْمُشْرِكِينَ... الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ»
- ۹- جنجال‌ها و تفرقه‌های دینی، مانع شکوفایی فطرت و روح توبه و تقوا و نماز است. «فَرَّقُوا دِينَهُمْ»

۱۰- گاهی گروه‌گرایی و دلخوشی به آنچه که داریم، ما را از حق‌گرایی دور می‌کند. «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»
 وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ «۳۳»
 و هر گاه زبانی به مردم رسد، توبه‌کنان پروردگار خود را می‌خوانند و به سوی او باز می‌گردند، اما چون خداوند از طرف خود رحمتی به آنان بچشاند، گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می‌ورزند.

پیام‌ها

- ۱- ضررها از خود ماست، ولی رحمت‌ها از خداوند است. «مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ... مِنْهُ رَحْمَةٌ»
- ۲- گروهی از مردم تنها در حال سختی و مصیبت خدا را می‌خوانند، در حالی که مؤمن باید در همه حال خدا را بخواند. «ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ»
- ۳- نشانه‌ی فطری بودن گرایش به خدا آن است که هر گاه سختی‌ها و فشارها، غبار غفلت را بر طرف کند، انسان به سوی او توجه می‌کند. «فَطَرَتَ اللَّهُ... إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ»
- ۴- انسان، کم‌ظرفیت و ضعیف است، با اندکی زیان ناله می‌کند و با چشیدن رحمت غافل می‌شود. «ضُرٌّ دَعَا... رَحْمَةً... يُشْرِكُونَ»
- ۵- رفاه، زمینه‌ی غفلت است. «أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً... يُشْرِكُونَ»
- ۶- گروهی از انسان‌ها ناسپاس‌اند. (همین که رحمتی می‌چشند، به جای شکر، شرک می‌ورزند.) «أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً... يُشْرِكُونَ»
- ۷- دعای مضطرّ مستجاب می‌شود. «ضُرٌّ دَعَا... أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً»
- ۸- زندگی بشر، آمیزه‌ای از تلخی‌ها و شیرینی‌هاست. «ضُرٌّ... رَحْمَةً»
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ «۳۴»

تا سرانجام درباره‌ی آنچه به ایشان بخشیده‌ایم کفران پیشه کنند، پس کام بگیرد که به زودی خواهید دانست (نتیجه‌ی کفر و کفران چیست).

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهَوْ يَنْتَكِلُمْ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ «۳۵»
آیا ما بر ایشان حجّت و دلیل محکمی نازل کرده‌ایم؟ دلیلی که درباره‌ی شرک آنان سخنی بگوید (آن را موجه بدانند)؟!!

پیام‌ها

- ۱- شرک، گامی به سوی کفر و ناسپاسی است. «يُشْرِكُونَ لِيَكْفُرُوا» بازگشت به سوی شرک، نوعی کفران نعمت است.
- ۲- یکی از برنامه‌ها و سنت‌های الهی، مهلت دادن به منحرفان است. «فَتَمَتَّعُوا»
- ۳- در ارشاد و تربیت، گاهی تهدید و توبیخ لازم است. «فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»
چندین چراغ دارد و بیراهه می‌رود بگذار تا بیفتند و بیند سزای خویش
- ۴- در کنار تندترین تهدیدها، از منطبق غافل نشویم. «فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا»
- ۵- عقیده‌ای درباره‌ی خداوند، حقّ و پذیرفتنی است که مورد تأیید خداوند باشد. «أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا»
- ۶- نه شرک دلیلی دارد و نه مشرک منطقی. «أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا»
- ۷- دلیل و استدلال باید گویا و روشن باشد. «سُلْطَانًا فَهَوْ يَنْتَكِلُمْ»
- ۸- توجه به غیر خدا ممکن است برای هر کسی پیش بیاید، ولی استمرار آن خطرناک است. «كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ»
وَ إِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ «۳۶»

و هر گاه به مردم رحمتی چشاییم، به آن شاد شوند و اگر به خاطر دستاورد گذشته (و اعمال بد) آنها، ناگواری (و مصیبتی) به آنان رسد، ناگهان مأیوس می‌شوند.

پیام‌ها

- ۱- انسان، شخصیتی تأثیرپذیر و انفعالی دارد. «فَرِحُوا... يَفْنَطُونَ»
- ۲- رحمت از خداست و ناگواری‌ها از عملکرد خود ما. «أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً... سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ»
- ۳- انسان دور از خدا، پوک و کم ظرفیت است با اندکی نعمت، مست می‌شود و با کمی تلخی و غم، به بن بست می‌رسد. «۱» «رَحْمَةً فَرِحُوا... سَيِّئَةٌ... يَفْنَطُونَ» در صورتی که خداوند از مردم تحمل و ظرفیتی را می‌خواهد که از دست رفتن نعمت‌ها آنان را نگران و به دست آوردن نعمت‌ها آنان را سرعت نکند.
«لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» «۲»
- ۴- برخورداری از رحمت، قطعی است، ولی مبتلا شدن به ناگواری قطعی نیست.

(۱). تنوین در کلمات «رحمة و سیئة»، بر قلت و کمی دلالت می‌کند.

(۲). حدید، ۲۳.

«إِذَا... إِنَّ»... (برای برخورداری از رحمت، کلمه‌ی «إِذَا» بکار رفته که به معنای انجام قطعی است، ولی برای گرفتار شدن، کلمه‌ی «إِنَّ» بکار رفته که به معنای غیر قطعی بودن است.)
أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ «۳۷»

آیا ندیدند که خداوند برای هر کس بخواهد (طبق حکمت)، روزی را گسترش می‌دهد و (یا) تنگ می‌سازد؟ البته در این (توسعه و ضیق) برای کسانی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی قطعی است.

نکته‌ها

کلمه‌ی «يَقْدِرُ» از «قدر»، هم به معنای اندازه‌گیری است و هم به معنای سخت‌گیری، اما در اینجا چون در کنار «يَبْسُطُ» آمده، مراد تنگی و سختی است.

پیام‌ها

- ۱- توجه به اینکه رزق به دست خداست، انسان را از یأس و ناامیدی باز می‌دارد.
«يَقْنَطُونَ أَوْ لَمْ يَرَوْا»
- ۲- انسان باید برای کسب معاش تلاش کند، ولی بداند که تقدیر معیشت به دست خداست. «اللَّهُ يَبْسُطُ... يَقْدِرُ»
- ۳- در همه‌ی قرآن توسعه‌ی روزی، قبل از تنگی آن مطرح شده است و این نشانه‌ی رحمت گسترده‌ی اوست. «يَبْسُطُ... يَقْدِرُ»
- ۴- اگر توسعه و تنگی روزی به دست اوست، این همه حرص چرا؟
«يَبْسُطُ - يَقْدِرُ»
- ۵- توسعه‌ی روزی را به خاطر زرنگی خود ندانید. «أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ»
- ۶- تنها اهل ایمان از دقت در روزی رسانی خداوند، درس و عبرت می‌گیرند.
(ولی افراد غافل همه چیز را سطحی می‌پندارند.) «لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»

فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ «۳۸»
(اکنون که دانستی توسعه‌ی رزق به دست خداست)، پس حقّ خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را ادا کن. این (انفاق) برای کسانی که خواهان خشنودی خدا هستند بهتر است، و آنان همان رستگارانند.

نکته‌ها

در روایات آمده است: همین که این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فدک را به حضرت زهرا علیها السلام بخشیدند. «۱»
گرچه خطاب آیه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، ولی تمام مردم مخاطب آن می‌باشند.

مراد از «وَجْهَ اللَّهِ»، نیت خالصانه در انفاق است، همان گونه که در مورد انفاق اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» «۲»

پیام‌ها

۱- مالک اموال خداوند است، موارد مصرف مال را هم باید خداوند

(۱). تفاسیر مجمع البیان و نور الثقلین.

(۲). انسان، ۹.

مشخص کند. «فَاتِذَا»

۲- در انفاق و کمک، خویشان بر دیگران مقدمند. «ذَا الْقُرْبَىٰ... وَالْمِسْكِينَ»...

۳- بستگان بر انسان و دارایی انسان حقّ و حقوقی دارند. «حَقُّهُ»
آری، خویشاوندی، زمینه‌ی پیدایش حقوق است.

۴- فرمان دینی با عواطف طبیعی هماهنگ است. دستور رسیدگی به بستگان فقیر همان خواسته عاطفی انسان است. «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»...

۵- محرومان در مال اغنیا حق دارند و در پرداخت حقتشان نباید بر آنان منت گزارد. «حَقَّهُ»

۶- اسلام، حامی مستضعفان و حاکم اسلامی مسئول فقرزدایی از جامعه‌ی مسلمین است. (بنا بر اینکه پیامبر به عنوان حاکم اسلامی مخاطب واقع شده باشد. «فَاتِ... وَ الْمَسْكِينِ»...)

۷- حتی ثروتمندانی که موقتاً گرفتار بی پولی می‌شوند، باید حمایت شوند. «وَ ابْنِ السَّبِيلِ»

۸- ادای حقوق دیگران ارزش است، نه جمع‌داری و ثروت. «ذَلِكَ خَيْرٌ»

۹- ثروت می‌تواند وسیله‌ای برای تقرب به خداوند قرار گیرد. «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ... يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ»

۱۰- امتیاز انفاق اسلامی بر انفاق دیگران، قصد قربت است. «يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ»

۱۱- امر به نیکی، باید با تشویق همراه باشد. «ذَلِكَ خَيْرٌ... هُمْ الْمُفْلِحُونَ»

۱۲- رستگاری در گرو عمل خالصانه است. «يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أَوْلِيَاكُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ «۳۹»

و آنچه شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (رباخوار) افزوده شود، پس نزد خداوند فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و رضای خدا را می‌طلبید پس آنان (که چنین کنند پاداشی) چند برابر دارند.

پیام‌ها

- ۱- مقدار و کمیّت پول مهم نیست، انگیزه و هدف پرداخت مهم است.
«مِنْ رَبًّا... مِنْ زَكَاةٍ»
 - ۲- رشدی که از ربا حاصل می‌شود، کاذب و ظاهری است، نه واقعی و نزد خداوند. «فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ»
 - ۳- امتیاز اسلام در آن است که علاوه بر فقرزدایی از محرومان، رشد معنوی پرداخت کنندگان را نیز در نظر دارد. «تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ»
 - ۴- توجه به اخلاص، مسأله‌ای جدی است و باید با تأکید بیان شود، زیرا کار و تلاش بدون انگیزه‌ی الهی، ارزشی ندارد. «تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ» («وَجْهَ اللَّهِ»، در این آیه و آیه قبل تکرار شده است).
 - ۵- پرداخت خالصانه‌ی زکات، موجب ازدیاد و رشد است. «زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»
 - ۶- مؤمن باید در تشخیص سود و زیان، دنیا و آخرت، فرد و جامعه و جسم و روح را با هم به حساب آورد. (گرچه در دید مادی، پرداخت زکات، مایه‌ی کمبود مال است، ولی با توجه به فقرزدایی از جامعه، دل‌کندن از دنیا و ذخیره شدن برای آخرت، به سود زکات دهنده است.) «فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»
 - ۷- اخلاص، مقام انسان را بالا می‌برد و به نقطه‌ی برتر می‌رساند. (با توجه به خطاب «تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ» باید بگوید: «انتم المضعفون» ولی می‌فرماید: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»، گویا آنان به یک نقطه‌ی اوج رسیده‌اند.)
- اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ «٤٠»

خداوند کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی داد، آن گاه شما را می‌میراند، سپس زنده می‌کند آیا از شریک‌هایی که شما برای خدا گرفته‌اید کسی هست که ذره‌ای از این کارها را انجام دهد؟ او منزّه و برتر است از آنچه شریکش قرار می‌دهند.

نکته‌ها

در این آیه به چهار صفت الهی اشاره شده که هر یک به تنهایی برای تسلیم و تعبد انسان کافی است، آفرینش انسان، دلیل مستقلاً بر لزوم بندگی انسان است.

«اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ»^۱

روزی دادن خداوند به ما، دلیل بر لزوم بندگی ماست. «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ

هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ»^۲

میراندن و زنده کردن نیز هر یک به تنهایی، دلیل لزوم تعبد و تسلیم انسان در برابر پروردگار متعال است. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ»

پیام‌ها

۱- مرگ و زندگی، گذشته، حال و آینده و رزق و روزی ما به دست

(۱). بقره، ۲۱.

(۲). قریش، ۳-۴.

خداست.

«خَلَقَكُمْ... رَزَقَكُمْ... يُمِيتُكُمْ... يُحْيِيكُمْ»

۲- کارهای گذشته، دلیل بر قدرت خداوند بر کارهای آینده است. (آفریدن، روزی دادن و میراندن، نشانه‌ی قدرت خدا بر زنده کردن انسان پس از مرگ است.) «خَلَقَكُمْ... رَزَقَكُمْ... يُمِيتُكُمْ... يُحْيِيكُمْ»

- ۳- روش مقایسه در تعلیم و تبلیغ، از بهترین روش‌هاست. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ... هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ»
- ۴- با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. «هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ...»
- ۵- قدرت‌های غیر الهی استقلال از خود ندارند، نه تنها از انجام کارهای بزرگ بلکه از آفریدن کوچک‌ترین موجود نیز عاجزند. «مِنْ شَيْءٍ»
- ۶- هیچ یک از وسایل، اسباب، مقدمات و شرایط آفرینش را شریک خدا نپنداریم. «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»
- ۷- شرک، توهین به مقام پروردگار است و انسان باید او را منزّه و برتر از هر گونه شریک بداند. «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ»
- ۸- شرک، با هر نام و آرم و شکلی که باشد باطل و محکوم است. «عَمَّا يُشْرِكُونَ»
- ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾
- به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند.

نکته‌ها

امام صادق علیه السلام فرمود: حیات جنبندگان در خشکی و دریا وابسته به باران است که اگر باران نیارد، در خشکی و دریا فساد می‌شود و همین که گناهان انسان زیاد شد، باران نازل نمی‌شود. (۱)

در آیه ی ۳۰ سوره ی شوری می‌خوانیم: «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» هر مصیبتی به شما رسد به خاطر عملکرد شماست، ولی بدانید که خداوند به خاطر رحمت و لطفش از بسیاری گناهانتان می‌گذرد. (اگر بخواهد کیفر همه‌ی کارهای شما را بدهد، احدی روی زمین باقی نمی‌ماند.) برخی سختی‌ها و تلخی‌های دنیوی، گوشه‌ای از کیفر گناهان انسان است.

پیام‌ها

- ۱- شرک، سبب فساد و تباهی در زمین است. «عَمَّا يُشْرِكُونَ... ظَهَرَ الْفُسَادُ»
- ۲- اعمال انسان، در طبیعت اثر می‌گذارد. اعمال ناروای انسان، مانع از سودبخشی آب و خاک و عامل بروز پدیده‌های ناگوار است. «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»
- ۳- فساد محیط زیست، به خاطر عملکرد انسان است. «ظَهَرَ الْفُسَادُ... بِمَا كَسَبَتْ»...
- ۴- همه‌ی کیفرها به قیامت واگذار نمی‌شود، بلکه بعضی کیفرها در همین دنیا تحقق می‌یابد. «لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي»
- ۵- آنجا که هدف هشدار و اصلاح است، گاهی اندکی تنبیه کافی است. «لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

(۱). تفسیر راهنما.

۶- چشیدن کیفر بعضی گناهان، برای توبه و بازگشت است. «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (باید از بلاها درس گرفت).
 قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَتْ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾
 بگو: در زمین سیر کنید پس بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما (زندگی می کردند و) بیشترشان مشرک بودند چگونه بود.

پیام‌ها

- ۱- جهانگردی هدفدار، مورد سفارش اسلام است. «قُلْ سِيرُوا...»
 - ۲- حفظ آثار عبرت‌انگیز برای آیندگان، لازم است. «سِيرُوا... فَانظُرُوا»
 - ۳- تاریخ از منابع شناخت است. مطالعه‌ی تاریخ و بهره‌گیری از حوادث گذشته، چراغ راه آینده است. «فَانظُرُوا»
 - ۴- سنت‌ها و قوانین حاکم بر تاریخ، ثابت است. (با مطالعه‌ی علل حوادث دیروز، می توان راه امروز را شناسایی کرد). «فَانظُرُوا»
 - ۵- یک جامعه با اکثریت منحرف، به قهر الهی مبتلا خواهد شد، گرچه تعدادی خوبان هم در آن باشند. «أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ» (هر گاه در منطقه‌ای اکثریت مردم فاسد شدند، جهاد و یا هجرت از آن جا لازم است).
- فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ ﴿٤٣﴾
- (حال که دانستی فرجام شرک هلاکت است،) پس به دین استوار ایمان بیاور، پیش از آن که روزی بیاید که برای آن برگشتی از (قهر) خدا ممکن نیست، در آن روز مردم از هم جدا (و دسته دسته) می شوند.

نکته‌ها

«يَصَدَّغُونَ» از «صدع»، به معنای شکستن و پراکندن است. در این جا مراد روزی است که مردم مؤمن از افراد منحرف جدا می‌شوند و هر یک به سوی می‌روند.

پیام‌ها

۱- هم دین باید محکم، استوار و منطقی باشد و هم دیندار، جدی و عاشق.

«فَأَقِمْ... لِلدِّينِ الْقِيَمِ»

۲- توجه به دین باید در متن کارها و با تمام وجود باشد، نه در حاشیه و با کراهت. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ»

۳- دین اسلام، بر پا دارنده‌ی همه‌ی مصالح فردی و اجتماعی است. «لِلدِّينِ الْقِيَمِ»

۴- از فرصت‌ها استفاده کنیم. «فَأَقِمْ... قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ»

۵- اگر به خطرات قیامت توجه کنیم، دینداری ما جدی می‌شود. «فَأَقِمْ... قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ»...

۶- رویکرد تمام عیار به دین، سبب نجات در قیامت می‌شود. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ... قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ»...

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُمْ يَمْهَدُونَ «٤٤»
هر کس کفر ورزد، کفرش به زیان اوست و کسانی که کار شایسته انجام دهند (سعادت ابدی را) برای خودشان آماده می‌کنند.

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْكَافِرِينَ «٤٥»

تا (خداوند) کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از فضل خویش پاداش دهد (و کافران را محروم کند، زیرا) او کافران را دوست نمی‌دارد.

نکته‌ها

در آیه‌ی قبل فرمود: در قیامت، مردم پراکنده و در گروه‌های مختلف از هم جدا می‌شوند، این آیه، جدایی مذکور را توضیح می‌دهد که هر یک از اهل ایمان و کفر به پاداش و کیفر خود می‌رسند. «يَمَّهْدُونَ» از «مهد»، به معنای محلّی است که برای استراحت آماده شده و در اینجا به معنای زمینه‌سازی و آماده‌سازی است.

پیام‌ها

- ۱- انسان، دارای اختیار است و ایمان و کفر را خود انتخاب می‌کند.
«مَنْ كَفَرَ... مَنْ عَمِلَ»
- ۲- تشویق و تنبیه هر دو لازم است. «فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ... فَلَا نُنْفِسِهِمْ»
- ۳- کفر و ایمان مردم، در خداوند اثری ندارد. «فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ... فَلَا نُنْفِسِهِمْ يَمَّهْدُونَ»
گر جمله‌ی کاینات کافر گردند بر دامن کبریا نشیند گرد
- ۴- ایمان و عمل صالح، شما را مغرور نکند، زیرا که دریافت هر نعمتی از فضل خداست. «لِيَجْزِيَ... مِنْ فَضْلِهِ»
- ۵- کفر به تنهایی سبب بدبختی است، گرچه کار خلافی نکند، ولی ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه نیازمند عمل صالح است. «مَنْ كَفَرَ... أَمْنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»

۶- در قیامت، فضل الهی شامل حال کسانی است که اهل ایمان و عمل صالح باشند، نه دیگران. «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ»

۷- برای رفتن به بهشت، ایمان تنها کافی نیست، بلکه اعمال صالح نیز لازم است. «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْزِيَ الْفُلْكَ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ «۴۶»
و از نشانه‌های الهی این است که بادهای را می‌فرستد، تا مژده (باران) دهند و بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند، و شما از فضل او (روزی) بجویند، شاید شکرگزاری کنید.

نکته‌ها

کلمه‌ی «ریح» در مورد بادهای تند و مضرّ و کلمه‌ی «ریاح» درباره‌ی بادهای مفید به کار می‌رود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که گاهی هنگام وزیدن باد می‌فرمود: «اللهم اجعلها رياحا و لا تجعله ريحا» پروردگارا! این باد را سودمند قرار ده و آن را زیانبار مکن. «۱»
برخی از فواید وزش باد عبارت است از: انتقال ابرها و فشردن آنها در یکدیگر، تعدیل گرما و سرما، تصفیه‌ی هوا و جا به جا کردن هوای سالم، رساندن اکسیژن به انسان‌ها و کربن به گیاهان، تلقیح و بارور کردن گیاهان، حرکت کشتی‌ها، تولید برق، پراکنده ساختن بذرها به اطراف و...

(۱). تفاسیر کشّاف و المنیر.

پیام‌ها

- ۱- هیچ چیز تصادفی روی نمی‌دهد، حتی وزش بادها نیز با اراده خداوند حکیم است. «يُرْسِلَ الرِّيحَ»
۲- آنچه از برکات باد دریافت می‌کنیم، بخشی از آیات و رحمت‌های اوست.

«مِنْ آيَاتِهِ... مِنْ رَحْمَتِهِ»

- ۳- حرکت کشتی در دریا به دست خداست، نه ناخدا! «لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ» این خداوند است که با وضع قوانین طبیعت، زمینه حرکت کشتی روی آب را فراهم ساخته است.

۴- تلاش برای روزی حلال، سفارش قرآن است. «لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»

- ۵- باد نیز نعمتی است که شکر می‌طلبد، گرچه ما توجه نداریم. «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ «۴۷»

و البته ما پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس آنان دلایل روشن برای مردم آوردند، (برخی ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند) پس، از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و (مؤمنان را یاری کردیم که) یاری مؤمنان حقی است بر عهده‌ی ما.

نکته‌ها

در این آیه چهار برنامه و سنت الهی مطرح شده است:

الف: سنت فرستادن پیامبر.

ب: سنت معجزه داشتن انبیا.

ج: کیفر مجرمان.

د: نصرت مؤمنان مسأله‌ی نصرت مؤمنان، در قرآن مکرر مطرح شده است از جمله:

الف: اگر شما خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۱

ب: کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کنند، ما راه‌های خود را به آنان نشان خواهیم داد. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۲

ج: ما قطعاً پیامبران و مؤمنان را یاری خواهیم کرد. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا»^۳

د: عاقبت و سرانجام نیک، از آن متقین و پرهیزکاران است. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۴

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خاتم انبیاست و بعد از او پیامبری نیست، لذا کلمه‌ی «مِنْ قَبْلِكَ» مکرر در قرآن آمده، ولی کلمه‌ی «من بعدک» نیامده است.

پیام‌ها

۱- آشنایی با تاریخ، عامل تسلی است. «مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا... فَأَنْتَقِمْنَا...»

نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»

۲- ابتدا کار فرهنگی و ارشاد، سپس برخورد با مجرمان. «فَجَاؤُهُمْ

بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقِمْنَا»

۳- مخالفان انبیاء، مجرمانی محکوم و مغلوب هستند. «فَأَنْتَقِمْنَا...»

أَجْرًا»

(۱). محمد، ۷.

(۲). عنکبوت، ۶۹.

(۳). غافر، ۵۱.

(۴). اعراف، ۱۲۸.

۴- انتقام از مجرم، یکی از مصادیق نصرت مؤمنان است. «فَأَنْتَقِمْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا... نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»
 ۵- پیروزی مؤمنان، وعده‌ی قطعی خداوند است. (گرچه در ظاهر شهید شوند ولی به هدفشان می‌رسند.) «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا»
 ۶- گرچه انسان از خدا طلبی ندارد، ولی خداوند یاری مؤمنان را بر خود لازم کرده است. «حَقًّا عَلَيْنَا»

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ «٤٨»
 خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان، هر گونه بخواهد می‌گستراند و آن را بخش بخش می‌کند، پس می‌بینی که باران از لابلای آن (ابر) بیرون می‌آید. پس هر گاه آن (باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند، به ناگاه آنان شادمان گردند.

نکته‌ها

کلمه‌ی «کسف» جمع «کسفه» به معنای قطعه و مراد از آن پاره‌های ابر است.
 «ودق» هم به ذرات کوچک گفته می‌شود و مراد از آن در اینجا قطرات باران است.

پیام‌ها

۱- تحولات طبیعی، نشانه‌ی قدرت، حکمت و تدبیر خداست. «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ»...
 ۲- اراده‌ی الهی از طریق اسباب طبیعی محقق می‌شود. «يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا»

۳- برای تشکیل ابرها، بادهای متعددی از جناح‌های سرد و گرم نقش دارند. («الرِّیَاحُ» به صورت جمع آمده است.)

۴- از فوائد باد، زمینه‌سازی برای نزول باران است. «يُرْسِلُ الرِّیَاحَ... فَتَرَى الْوَدْقَ»

۵- حرکت ابرها و بارش باران‌ها، با اراده و خواست خداست. «كَيْفَ يَشَاءُ»

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ «۴۹»
و هر چند پیش از آن که (باران) بر آنان نازل شود، (آری)، پیش از آن نومید بودند.

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «۵۰»
پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند. همانا خداست زنده کننده‌ی مردگان و او بر هر چیزی قدرت دارد.

پیام‌ها

۱- سختی‌ها و نومیدی‌ها، لذت نعمت‌ها را چند برابر می‌کند.

«يَسْتَبْشِرُونَ... وَإِنْ كَانُوا... لَمُبْلِسِينَ»

آب کم جو تشنگی آور به دست تا که جوشد آبت از بالا و پست

۲- باران، رحمت الهی است. «فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ»

۳- بارش باران و حیات مجدد زمین، نشانه‌ای از برپایی قیامت است.

«يُحْيِي الْأَرْضَ... لَمُحْيِي الْمَوْتَى» صحنه‌ی مرگ و حیات، هر لحظه

جلو چشم ماست، «إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى» و مشتم نمونه‌ی خروار

است. «إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى»

وَ لَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ «۵۱»

و اگر بادی (آفت زا) بفرستیم، و (مردم زمین سرسبز) را زرد شده ببینند، بعد از آن کفر خواهند ورزید.

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾

(دل‌های اینان مرده است) پس تو نمی‌توانی مردگان را شنوا کنی، و این دعوت را به گوش کران آن گاه که پشت‌کنان روی می‌گردانند، برسانی.

پیام‌ها

- ۱- بادهای مهلک و آفت‌زا، بی‌ضابطه و تصادفی نیست. «أَرْسَلْنَا رِيحًا»
- ۲- بادهای مخرب، نسبت به بادهای مفید کم هستند. «أَرْسَلْنَا رِيحًا» (در حالی که درباره‌ی بادهای مفید فرمود: «يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ»)
- ۳- گاهی انسان با یک حادثه‌ی تلخ، از مدار توحید خارج می‌شود و در مدار کفر و شرک قرار می‌گیرد. «لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ» (گاهی یک باد زیانبار، حال شادی، «يَسْتَبْشِرُونَ» را به حال ناکامی، «يَكْفُرُونَ» تبدیل می‌کند).
- ۴- در ارشاد و تبلیغ، کامل بودن مرشد و شیوه‌ی ارشاد و محتوای آن، کافی نیست قابلیت طرف نیز لازم است. «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ»
- ۵- ناشنوا، گاهی با نگاه به حرکت لب‌ها مطالبی را می‌فهمد، ولی مصیبت آنجاست که هم گوش ناشنوا باشد و هم انسان به گوینده پشت کند که در این حال اشاره را هم نمی‌فهمد، این، مَثَلِ کسانی است که به حق پشت کنند. «وَلَّوْا مُدْبِرِينَ»
- ۶- اعراض از حق، وقتی خطرناک است که پشت کردن به حق، با عنایت و لجاجت باشد و شیوه‌ی دائمی افراد قرار گیرد. «مُدْبِرِينَ»

وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾

و تو هدایت کننده‌ی کوران از گمراهیشان نیستی، تنها کسانی سخت را به گوش می‌گیرند که به آیات ما ایمان دارند و اهل تسلیم هستند.

پیام‌ها

۱- وظیفه پیامبران، ارشاد مردم است، نه اجبار آنان به پذیرش هدایت. «مَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمَىٰ»

۲- پذیرش مردم، محدود است. «إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ»

۳- داشتن روحیه‌ی تسلیم در برابر حق، زمینه‌ساز دریافت‌های معنوی است. «إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا... مُسْلِمُونَ»

زمین شوره سنبل بر نیارد در آن تخم عمل ضایع مگردان

۴- ایمان به تنهایی کافی نیست، تسلیم لازم است. «مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ»

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾
خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی، قوتی بخشید، آن گاه بعد از توانایی و قوت، ضعف و پیری قرار داد او هر چه بخواهد می‌آفریند، و اوست دانای توانا.

پیام‌ها

۱- انسان در آغاز خلقت، سراسر ضعف است. «خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ»

۲- توجه کردن به آغاز تولد، مایه‌ی تذکر و تشکر است. «خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ...»

۳- از ضعف و پیری گلایه نکنید که برنامه‌ی حکیمانه‌ی خداوند است. «اللَّهُ... جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا»

۴- مراحل ضعف و قدرت انسان، با یک برنامه ریزی حکیمانه طراحی شده است. (تکرار «جَعَلَ»)

۵- آغاز و پایان انسان ضعف است، در چند روزی که توان و قدرت داریم قدردانی کنیم. (یک قوت میان دو ضعف) «ضَعْفٌ... قُوَّةٌ... ضَعْفًا» ضعف دوران کودکی به قوت تغییر می کند، ولی ضعف دوم باقی می ماند، زیرا کلمه‌ی «شَيْبَةٌ» در کنار «ضَعْفٌ»، نشان آن است که این ضعف همراه پیری و ثابت است)

۶- کسی که میان دو ضعف قرار گرفته، نباید به چند روز قوت مغرور شود. «ضَعْفٌ... قُوَّةٌ... ضَعْفًا»

۷- اگر اهل نظر باشیم، همه‌ی هستی کتاب مطالعه است. (باد و باران و حیات زمین، دوران کودکی و جوانی و پیری انسان). «مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً»

۸- ضعف مخلوق، نشان ضعف خالق نیست. «وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ «۵۵»
و روزی که قیامت بر پا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی درنگ نکرده اند، (آنان در دنیا نیز) این گونه (از حق) گردانده می شدند.

نکته ها

«ساعة»، به جزئی از زمان گفته می شود، اگر به روز قیامت «ساعة» گفته می شود یا به خاطر سرعت در بر پایی قیامت است و یا سرعت در رسیدگی به اعمال. «۱»

(۱). تفسیر نمونه.

پیام‌ها

- ۱- کسی که در دنیا به سوگند دروغ عادت کرد، در قیامت نیز آن را به کار می‌برد. «يُفْسِمُ الْمُجْرِمُونَ»
 - ۲- مجرمان در قیامت عذر و بهانه می‌آورند که در دنیا فرصت برای ایمان آوردن نداشتند، «مَا لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ»
 - ۳- کج فکری و کج روی مجرمان، دائمی است. «كَانُوا يُؤْفَكُونَ»
 - ۴- دروغ، سبب انواع کجی‌ها و انحرافات است. «كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ» یعنی با اینگونه دروغ‌ها پیوسته به انحراف کشیده شدند.
- وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ «۵۶»
- و کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده، (به مجرمان) می‌گویند: قطعاً شما (به موجب آنچه) در کتاب خداست تا روز رستاخیز (در برزخ) مانده‌اید، پس این، روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید (که قیامت حق است).

نکته‌ها

این آیه پاسخ اهل ایمان، در برابر گفتار مجرمان در آیه‌ی قبل را مطرح می‌کند. آنها از دوران کوتاه عمر خود در دنیا و یا مدت اندک برزخ می‌گویند، اما اهل ایمان پاسخ می‌دهند که شما مطابق آنچه خداوند برای دوره‌ی دنیا و برزخ افراد معین کرده، زندگی کرده‌اید و بی‌جهت برای کفر خود، عذر تراشی نکنید.

ظاهراً علت تقدّم علم بر ایمان به خاطر آن باشد که علم پایه و اساس ایمان است.

پیام‌ها

- ۱- در قیامت، میان مجرمان و مؤمنان گفتگوهاست. «وَقَالَ الَّذِينَ...»
- ۲- علم و ایمان، حتی در قیامت آثار مثبت خود را نشان می‌دهد. «أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ» (عالمان مؤمن، در قیامت نیز شبیه زدایی می‌کنند).
- ۳- علم و ایمان، دو هدیه الهی است که به افراد عطا می‌شود. «أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ»
- ۴- علم و ایمان خود را توفیقی الهی بدانیم و مغرور نشویم. «أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ»
- ۵- مدت دوره‌ی دنیا یا برزخ، از پیش محاسبه و نوشته شده است. «فِي كِتَابِ اللَّهِ»
 فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾
 پس در چنین روزی، پوزش کسانی که ستم کردند سودی ندارد، و توبه‌ی آنان نیز پذیرفته نمی‌شود.

نکته‌ها

- «يُسْتَعْتَبُونَ» از واژه‌ی «عتبه» به معنای ناراحتی است و هر گاه در قالب استعتاب قرار گیرد، به معنای توبه و از بین رفتن ناراحتی و بدی است.
- گرچه در قیامت به مجرمان اجازه‌ی معذرت خواهی داده نمی‌شود، «وَأَمَّا إِيَّاكُمْ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ مَا عَلِمْتُمْ إِيَّاهُ فَسَوْفَ يَكُونُ لِشَرِّ الْأَعْمَىٰ»
 لا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ ﴿١﴾
 اما اگر بر فرض هم معذرت خواهی کنند، پوزش آنان سودی ندارد.
 «لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ»

(۱). مرسلات، ۳۶.

پیام‌ها

- ۱- سرنوشت انسان و چگونگی حضور او در قیامت، در گرو عملکرد خود اوست. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا»...
- ۲- ظلم، سبب محرومیت از عنایت خداوند است. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا»...
- ۳- توبه و عذرخواهی تنها در دنیا کارساز است و در قیامت هیچ کارایی ندارد. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ»
وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلِنَنْجِتَهُمْ بآيَةٍ
لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ «۵۸»
و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم، و اگر برای آنان نشانه و معجزه‌ای بیاوری، کافران حتماً خواهند گفت: شما جز بر باطل نیستید. (و این‌ها سحر و جادوست).

پیام‌ها

- ۱- همه‌ی مردم مخاطب قرآن هستند. «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ»
- ۲- قرآن، کتاب ارشاد و هدایت است و مثال، از بهترین شیوه‌های فهماندن حقایق، لذا خداوند برای زمینه‌های مختلف مثال آورده است.
«ضَرَبْنَا... مِنْ كُلِّ مَثَلٍ»
- ۳- مطالب قرآن، سبب اتمام حجت است و کسی که حق را بفهمد و حجت بر او روشن شود، دیگر عذرش پذیرفته نیست. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ... وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ»...
- ۴- کافران لجوج، هیچ گونه دلیل و نشانه‌ای را نمی‌پذیرند. «بآيَةٍ»
- ۵- باید اهداف و سخنان کفار و دشمنان را پیش بینی کرد. «لَيَقُولَنَّ»
- ۶- عناد و سرسختی کفار، باید برای ما درس باشد و در راه حق، مقاوم‌تر باشیم. «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ»
- ۷- انسانی که در مدار کفر و لجاجت قرار گیرد، باطل را حق می‌بیند و حق را باطل. «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ»

۸- کافران، چون استدلال ندارند، حق را تحقیر می کنند. «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ»

۹- کافران، نه تنها حق را نمی پذیرند، بلکه نسبت باطل هم به آن می دهند. «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ»

۱۰- کافران نه تنها پیامبر اسلام، بلکه تمام انبیا یا تمام مومنان را بر باطل می دانند.

(با آنکه آورنده‌ی معجزه تنها شخص پیامبر اسلام است اما کفار با بکار بردن جمع «أَنْتُمْ» گویا تمام انبیا و یا مؤمنان را باطل می دانند.)
كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ «۵۹»
این گونه، خداوند بر دل‌های کسانی که معرفت ندارند، مهر می زند.

نکته‌ها

مراد از «لَا يَعْلَمُونَ» افرادی هستند که نمی خواهند بدانند، همان گونه که در آیه‌ی قبل خواندیم: هر گاه پیامبر نشانه و معجزه‌ای می آورد، آنها با لجajt، نسبت بطلان می دادند.
آری، افرادی که خود را به جهل می زنند، مورد قهر الهی قرار می گیرند، نه افراد ناآگاه و بی غرض.

پیام‌ها

۱- کیفر لجajt، از دست دادن هدایت است. «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ كَذَلِكَ يَطْبَعُ...»

۲- مهر زدن بر دل نااهلان، یک سنت الهی است. «كَذَلِكَ يَطْبَعُ»

۳- زمینه‌ی سنگدلی را خود انسان، در خود به وجود می آورد. «لَا يَعْلَمُونَ»

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ «۶۰»

پس صبر پیشه کن که همانا وعده‌ی خداوند (درباره‌ی نصرت تو) حقّ است، و کسانی که (به راه حقّ) یقین ندارند تو را به سبک سری وادار نکنند.

نکته‌ها

سوره‌ی روم با پیش‌بینی پیروزی شروع شد و با وعده‌ی الهی به نصرت گروه حقّ پایان یافت.

پیام‌ها

- ۱- رهبران دینی باید صبور باشند. «فَاصْبِرْ»
- ۲- ایمان به وعده‌های الهی، عامل صبوری است. «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»
- ۳- جوّسازی افراد بی‌دین، نباید در تصمیم‌گیری ما اثر کند. «لَا يَسْتَخِفُّكَ»...
- ۴- اگر لطف و هشدار و تعلیم الهی نباشد، انبیا نیز آسیب‌پذیرند. «لَا يَسْتَخِفُّكَ»
- ۵- یکی از طرفندهای دشمنان، سبک کردن رهبر است. «لَا يَسْتَخِفُّكَ»
- ۶- کسانی که فکر تضعیف و تحقیر رهبر هستند که به راه حقّ یقین ندارند. «الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ»
- ۷- کسی که صبر نکند، خفیف می‌شود. «فَاصْبِرْ... لَا يَسْتَخِفُّكَ...»

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»